

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۳ سپتمبر ۲۰۲۰

تکتیک جدید "غنی احمدزی"!

سه شنبه- ۰۱ میزان ۱۳۹۹ - کابل: هرگاه پنج سال دوره اول حاکمیت "غنی احمدزی" را به خاطر داشته باشید، حتماً شما هم متوجه شده اید که در تمام آن ۵ سال، "غنی احمدزی" نه تنها تلاش می ورزید تا رقیب و شریک رسمی حاکمیتش "عبدالله عبدالمود" را چانس برآمد رسانه ئی ندهد، بلکه با راندن "دوستم" از صحنه و محصور ساختن "سرور دانش" به یگان "دیکچه پزانی" و "خاله گکانی"، عملاً به مثابه یکانه قدرت حاکم و یگانه کسی که اینطرف و آنطرف کاری انجام می دهد، خود را در جامعه به نمایش می گذاشت.

تعقیب همین سیاست همزمان با محتوای حاکمیت انحصارگرانه اش باعث گردید تا در افغانستان، اکثریت آنهایی که به امر سیاست سروکار داشتند، نه تنها وی را شخص انحصار طالب، تمامیت خواه و زورگو بشناسد، بلکه تمام ناکامی های موجود در حاکمیت را نیز به وی نسبت داده، عملاً در محراق نفرت اکثر مردم افغانستان قرار بگیرد.

عکس دور اول، از آغاز دور دوم همه شاهدیم که بعد از برآمد های فردی و تنهایی "امر الله صالح" و اینطرف و آنطرف جولان دادن هایش، به خصوص بعد از آن که فهرگونه مدتی از کابل به پنجشیر خود را عقب کشید و آوازه های جدائی بین "صالح" و "غنی" تا سرحد بالاکشیدن "عطا" در برخی از رسانه ها مطرح گردید، "غنی احمدزی" که در پنج سال نام "دوستم" را بر زبان نمی آورد، گذشته از این که به تعریف معاونش و وی را "صالح صایب" معرفی نمودن آغاز نمود، بلکه در برخی از دید و بازدید های رسمی وی را نیز باخود برده، به وی اجازه داد تا از زبان او با مردم سخن گفته، نه کرسی فلک را زیر پایش بگذارد.

مسافرت اخیر باند ارگ "غنی، صالح، دانش و محب" به بامیان و زبان باز کردن غیر مترقبه "دانش" آنهم در سطحی که تا حال نه تنها از جانب وی سابقه نداشت بلکه در قسمتی از صحبت ها، تابو های حاکمیت انحصار طلبانه را نیز شکستاند، سؤال را برای همه خلق نمود که علت این حرکت چیست؟ مطلبی که در نوشته حاضر تلاش می شود تا مختصراً بدان پاسخ داده شود:

۱- نخستین عامل این تغییر در شخصیت و کرکتر "غنی احمدزی" می تواند دستور بادرانش به وی باشد. یعنی با درنظرداشت این که "غنی احمدزی" شخصی است منفاد و نوکر امپریالیسم و ناگزیر است، همان را انجام دهد که بادرانش از وی می خواهند، نخستین عاملی که می تواند باعث این تغییر شخصیت و نتیجتاً سلوک در وی گردیده باشد، دستور مستقیم امپریالیسم و بقیه اشغالگران به وی می تواند باشد، تا بیش از این خود را "ناف زمین" معرفی ننماید.

۲- عامل دوم، می تواند متکی به نکات شخص خودش باشد. یعنی سرانجام تحصیل و گرفتن درجه دکترا در انسان شناسی، به وی این امکان را مساعد ساخته است تا خود را نیز به مثابه یک "شبه انسان" بشناسد و از اشتباهات و کمبودهایش درس لازم فراگیرد و نخواهد بیش از این با تمامیت خواهی افراطی، در محراق نفرت مردم قرار داشته باشد.

۳- با در نظر داشت این که از یک جانب می داند که با داران فعلی اش در کاخ سفید می خواهند خود را از "شر افغانستان" رها سازند و از جانب دیگر نه تنها خودش با این سیاست موافق نیست، بلکه با داران دیگرش نیز خواستار اجرای چنان سیاستی نمی باشند و "غنی احمدزی" هم تهدید "مشاور امنیت ملی" امریکا و اعزامش به "گوانتانامو" را از یاد نبرده است، لذا به دو چوکره فاقد شخصیتش دستور داده است، تا با صحبت های شان چوب لای چرخ به اصطلاح روند صلح بگذارند و گاه و بیگاه طالب را محکوم نمایند.

۴- چهارمین عامل، می تواند به نحوی دست کمک به جانب تمامیت خواهان پشتون دراز کردن باشد. یعنی "غنی احمدزی" تلاش می ورزد اوضاع را چنان نمایش دهد که گویا به علت پشت کردن قوم پشتون به وی، تقریباً "درنوک ناوه" قرار گرفته و از طرف دو معاونش از دو قوم دیگر زیر فشار قرار دارد، یک نوع نمایش مظلوم نمائی حقیرانه و فریبکارانه!

هموطنان گرامی!

با شناختی که از "غنی احمدزی" داریم، به جرأت گفته می توانیم که تمام این نمایشات، کمترین تغییری در شخصیت تمامیت خواه و فاشیستی وی به وجود نیاورده، هرگاه در ظاهر خود را بره بی آزاری نیز بنمایاند، در واقعیت امر همان "گربه زاهد" و گرگ درنده ایست، که "پنج پنج" گرفته و در انتظار بره دقیقه شماری می کند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشاندگی می باشد!

سرکها ما را می طلبند!